جستار

خبر خوش میرکاظمی برای بازنشستگان؟!

سید مجتبی ساداتی
روزنامه‌نگار

آقای سید مسعود میرکاظمی معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه در ویگاه توئیتر پیامی منتشر کرد که مدتی است به عنوان خبر خوش در مطبوعات و فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شود. توییت آقای میرکاظمی بدین شرح است: «برای حمایت از بازنشستگان در لایحه بودجه ۳۰۰ هزار میلیارد تومان کمک به صندوق‌های بازنشستگی دیده شده؛ نارنجی صندوق‌ها میراث دیگری است که دولت سیزدهم در جهت حل آن قدم بر خواهد داشت.» هر بازنشسته وقتی تیتر خبر را ببیند ابتدا ذوق زده شود ولی وقتی که متن خبر را می‌خواند احساس می‌کند که تنها منت و سرکوفت است که به سرش زده می‌شود. از بی‌ریزی نظام بازنشستگی در ایران حدود یکصد سال می‌گذرد. به زبان ساده فلسفه ایجاد صندوق بازنشستگی این است که فرد در زمان جوانی و اشتغال بخشی از درآمد خود را به صندوقی واریز می‌نماید تا زمان پیری و از کار افتادگی از آن استفاده نموده و معیشت و منزلتش محفوظ باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در سال ۱۳۵۲ نسبت پشتیبانی در صندوق‌ها ۲۵ به یک بوده است و در سال ۸۴ درآمد و هزینه صندوق‌ها سر به سر بوده است. برای هر بیمه پرداز تامین اجتماعی به مقدر ۲۷ تا ۳۰ درصد حقوق (۷درصد سهم مستخدم و مابقی کارفرما) و برای هر مستخدم رسمی، ۲۲/۵ درصد حقوق (۹ درصد مستخدم و ۱۳/۵درصد دولت) به صندوق‌های بازنشستگی پرداخت می‌شود. مصافا مستخدمین رسمی، حقوق ماه اول استخدام و هر افزایش دیگر خود تا تا زمان بازنشستگی را به صندوق می‌ریزند. مدیریت صندوق‌های بازنشستگی و شرکت‌های تابعه آن دست دولت است و بازنشستگان هیچ نقشی در اداره آن ندارند. در دورانی که صندوق‌ها پولدار بودند دولت‌ها مثل آب خوردن از صندوق‌ها به عنوان حیات خلوت برداشت کردند و نیز دولت‌ها سهم خود را به صندوق‌ها پرداخت نکردند و بدهکار صندوق‌ها شدند و وقتی تراز صندوق‌ها به هم خورد و لاجرم شرکت‌های دولتی(بعضا ناکارآمد و زیان ده) را به جای بخشی از بدهی به صندوق‌ها واگذار کردند. از سویی، از اواسط دهه ۸۰، با شیب تند، روند استخدام رسمی در دستگاه‌های دولتی قطع شد و دولت کارکنان خود را با قراردادهای مختلف از جمله پیمانی، خرید خدمت، قراردادی و شرکت‌های پیمانکاری نیروی انسانی به خدمت گرفت که بر اساس قانون مدیریت خدمات کشوری حق سهیم آنها و سهم دولت به‌جای صندوق بازنشستگی کشوری به سازمان و صندوق تأمین اجتماعی که سازمانی غیر دولتی و بیشتر مختص مشمولین قانون کار و تامین اجتماعی است واریز، و بیمه پردازی به صندوق کشوری کمتر و کمتر شد. برآورد می‌شود که اکنون نرخ پشتیبانی در صندوق بازنشستگی کشوری درصد ۹ و در صندوق بازنشستگی لشگری ۸درصد و صندوق تامین اجتماعی ۵/۴ درصد است و البته در شرایط ایده‌آل و مطلوب نسبت ۴ به یک است و لذا می‌بینیم که اکثر صندوق‌های بازنشستگی ورشکسته و صندوق تامین اجتماعی نیز به دلیل نوسانات اقتصادی کشور با کاهش جذب نیروی انسانی در بنگاه‌های تولیدی و خدماتی بخش‌های غیر دولتی مواجه و در حال ورشکستگی است. قطعا بازنشستگان به دلیل مدیریت دولتی ناکارآمد حاکم بر صندوق‌ها در ورشکستگی آنها هیچ نقش و جایگاهی ندارند. بسیاری از کشورهای جهان منابع صندوق‌های بازنشستگی را با آینده نگری و سرمایه‌گذاری بهینه در امور اقتصاد ملی و بین‌الملل و با منافع حاصله از این سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، شرایط مناسبی را برای ادامه حیات و زندگی با کیفیت بازنشستگان در دوران میانسالی و کهولت فراهم می‌کنند. به عنوان مثال در کشور هلند درآمد صندوق‌های بازنشستگی ۷/۱ برابر تولید ناخالص داخلی آن کشور است اما در کشور ما این شاخص زیر ۴۰ درصد است و با در کشورهای توسعه یافته، صندوق‌های بازنشستگی به دلیل مدیریت اقتصادی کارآمد و بهره‌ور، جزو ۱۰ بنگاه اقتصادی برتر کشورشان به شمار می‌آیند. بنابراین ادعای حمایت از بازنشستگان و کمک ۳۰۰هزار میلیارد تومانی آقای میرکاظمی به صندوق‌ها عاری از حقیقت است چون این عمل نه تنها حمایت از بازنشسته و کمک نیست بلکه دین و بدهی دولت به صندوق و تکلیف قانونی آنها در قوانین اداری و استخدامی مصوب مجلس است و مبلغی که هر ماه یک بازنشسته می‌گیرد حقوق نیست بلکه مستمری و مطالبه ناشی از سه دهه بیمه پردازی و در زمان شباب و اوج فعالیت در ساختن و عمران کشور است که باید با مدیریت اقتصادی کارآمد در صندوق‌ها زندگی آنان را در دوران کهولت به نحو احسن و موثر پوشش می‌داد! آقای میرکاظمی طبق عادت مدعی است نارنجی صندوق‌ها میراث گذشتگان است که دولت سیزدهم می‌خواهد ترازش کند. آقای میرکاظمی لیست فراموش کرده باشد که بدترین ضربات به صندوق کشوری در دولت نهم، که ایشان وزیر بازرگانی بوده کلید خورده است. حتما قانون بازنشستگی پیش از موعد سال ۸۶ که لایحه دولت وقت بوده و با مصوبه مجلس و تایید شورای نگهبان تبدیل به قانون شد پادشان هست که ایشان هم در آن دولت سهمی داشت. طبق این قانون مقرر شد طی ۳۵ سال مردان با سابقه ۳۵ سال و زنان با سابقه ۲۰ سال و با ۵ سال سنوات ارفاقی بدون شرط سنی بتوانند بازنشسته شوند. در ضمن آقای محمد باقر نامورمنش با چه فرمولی می‌خواهند مشکلات صندوق‌ها را حل کنند(احتمالا با دادن کارت نان یا کارت سیب‌زمینی!). اما دلسوزان هشدار می‌دهند که صندوق‌های بازنشستگی بسان بمب ساعتی پنهان هستند که هر آن ممکن است به انفجار برسند در حالی که هیچ‌کس به فکر آنها نیست. اتحاد جماهیر شوروی در آن زمان ۱۰۲ میلیون بازنشسته داشت!

پیر محمد ملازهی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

طالبان از «ترانزیت مواد مخدر» ایران از «احمد مسعود» نمی‌گذرد

ایران طالبان را به صورت دوفاکتو پذیرفته که سیاست درستی است

طالبان درنهایت به سود رقبای منطقه‌ای ایران رفتار خواهد کرد

ایران نباید همه تخم‌مرغ‌های خود را در سبد طالبان قرار بدهد

افکار عمومی در ایران مخالف ارتباط با طالبان هستند

ایران احمد مسعود را از تاجیکستان برای دیدار با طالبان به تهران آورد

آرمان ملی- احسان انصاری: دیدار رسمی وزرای خارجی طالبان و ایران روابط دو کشور ایران و افغانستان را وارد فاز جدیدی کرده است. این در حالی است که افکار عمومی در ایران نسبت به این دیدار واکنش مثبتی از خود نشان نداد. از سوی دیگر شایعاتی مبنی بر حضور احمد مسعود در ایران وجود دارد که با انتشار خبر دیداری با وزیر خارجه طالبان در تهران این شایعات جدی‌تر از گذشته شده است. «آرمان ملی» برای بررسی این موضوع با پیر محمد ملازهی کارشناس مسائل افغانستان گفت‌وگو کرده است. ملازهی معتقد است: «در شرایط کنونی ایران با عربستان، ترکیه و پاکستان در پشت پرده رقابت دارد. به نظر می‌رسد نهایت طالبان به شکلی رفتار خواهد که به سود رقبای منطقه‌ای ایران تمام خواهد شد و نه ایران. این احتمال نیز وجود دارد که ایران رقبای شدید سیستمی ایران برای ایران مشکلات امنیتی به وجود بیاورند. تنها در شرایطی که ایران با عربستان و دیگر کشورهای رقیب مشکلات خود را حل کنند و شرایط عادی شود این احتمال وجود دارد که ایران و طالبان نیز تحت تأثیر این اتفاق مناسبات عادی خود را دنبال کنند.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

◀ **دیدار وزیر خارجه طالبان با ایران با چه هدفی صورت گرفت؟ آیا این دیدار را به سود منافع ایران در منطقه می‌دانید؟**

ایران از گذشته تاکنون همواره با دو گروه قومی و مذهبی در افغانستان ارتباط داشته است. نخست هزاره‌های شیعه‌مذهب که ازنظر مذهبی به ایران نزدیک هستند و دوم تاجیک‌ها هستند که فارسی و دری زبان هستند و در حوزه فرهنگی با ایران قرابت‌های فرهنگی دارند. اتفاقی که در گذشته در ایران نسبت به طالبان رخ داد این بود که به دلیل اینکه طالبان با آمریکا وارد جنگ شده بود یک وجه مشترک بین ایران و طالبان ایجاد شد و ارتباطاتی در این زمینه شکل گرفت. در این شرایط فرماندهان ناتو و آمریکا مدعی بودند که ایران سلاح در اختیار طالبان قرار می‌دهد تا با آمریکا بجنگد. البته این سیاست‌ها تا حدود زیادی باسیاست‌های چین و روسیه نیز هماهنگ بود و این دو کشور نیز به دنبال این بودند که آمریکا در افغانستان زمین‌گیر شود و درنهایت شکست بخورد و افغانستان را ترک کند. این سیاست باعث شد که تردیدهایی در همکاری‌های سنتی ایران با هزاره‌های شیعه‌مذهب و تاجیک‌های فارسی‌زبان به وجود بیاید. هرچند تصمیم‌گیری‌ها در این زمینه تعیین‌کننده نبود اما به‌عنوان یک واقعیت موضوعیت داشت. این اتفاق در شرایطی رخ می‌داد که طالبان در اولیایی که به قدرت رسیده بودند دیپلمات‌های ایرانی را نیز به قتل رسانده بودند و حتی به دلیل اینکه ایران نیروهای خود را در مرز متمرکز کرد این احتمال وجود داشت که بین ایران و طالبان جنگ نظامی رخ بدهد.

> **ایران به‌صورت رسمی طالبان را به رسمیت نشناخته اما به‌صورت دوفاکتو طالبان را به رسمیت شناخته است. سفرا قافی می‌که به کابل و همچنین سفیر امیر خان متقی وزیر خارجه طالبان به ایران نشان می‌دهد که ایران با طالبان رابطه دارد و با آنها کار می‌کند**

◀ **نگاه افکار عمومی جامعه ایران به طالبان به چه صورت است؟ آیا افکار عمومی جامعه ایران می‌تواند ارتباط ایران با طالبان را به‌عنوان یک واقعیت بپذیرند؟**

در درون ایران دو نگاه نسبت به رابطه با طالبان وجود دارد. رویکرد نخست این است که باید طالبان را به‌عنوان یک واقعیت پذیرفت. طالبان با آمریکا در حال جنگیدن است و آمریکا نیز دشمن ماست. به همین دلیل نیز باید با طالبان ارتباط داشت و از آن حمایت کرد. رویکرد دوم بیانگر این بود که ایران باید با نیروهایی که در حوزه فرهنگی و مذهبی قرابت دارد ارتباط داشته باشد. مقصود از این گروه‌ها نیز هزاره‌های شیعه‌مذهب و تاجیک‌های فارسی‌زبان بودند. درنهایت رویکرد نظامی که از طالبان به دلیل جنگ با آمریکا حمایت می‌کرد غلبه پیدا کرد. در شرایط کنونی نیز ایران به‌صورت رسمی طالبان را به رسمیت نشناخته اما به‌صورت دوفاکتو طالبان را به رسمیت شناخته است. سفرا آقای قمی به کابل و همچنین سفیر امیر خان متقی وزیر خارجه طالبان به ایران نشان می‌دهد که ایران با طالبان رابطه دارد و با آنها کار می‌کند. نکته حائز اهمیت در این زمینه شکل‌گیری جبهه مقاومت علیه طالبان توسط احمد مسعود پسر شاه‌احمد مسعود وامرا... صالح معاون سابق رئیس‌جمهور در تاجیکستان شکل گرفته و احتمال اینکه یک درگیری مسلحانه پس از فصل زمستان و در فصل بهار بین جبهه مقاومت و طالبان شکل بگیرد وجود دارد. به نظر من در شرایط کنونی ایران با یک مشکل سیاسی مواجه شده است. ایران هنوز با تردیدهایی در این زمینه مواجه است که آیا مناسبات خود با طالبان را به‌عنوان گروهی که در افغانستان به قدرت رسیده ارتنظیم کند و یا با توجه به تضاد ایدئولوژیکی که بین ایران و طالبان وجود دارد و این احتمال وجود دارد که در آینده مناسبات بین ایران و طالبان در سطحی که امروز وجود دارد ادامه پیدا نکند آیا نیاز است ایران به گروه‌های مخالف طالبان مانند جبهه مقاومت ارتباط برقرار کند یا خیر. در دیدار اخیری که بین وزرای خارجی ایران و طالبان برگزار شد با تشویق ایرانیان دیداری بین وزیر خارجه طالبان با احمد مسعود و اسماعیل خانکه در هرات و غرب افغانستان صاحب نفوذ است برگزار شد. به نظرمی‌رسد ایران در بلندمدت نمی‌تواند این سیاست دوگانه را پیش ببرد و درنهایت باید به یک تصمیم نهایی درباره طالبان و افغانستان دست پیدا کند. البته احمد مسعود انتظار داشت ایران در مقابل طالبان از وی و جبهه‌ای که تشکیل داده بود حمایت کند که تاکنون این اتفاق رخ نداده و انتظارات احمد مسعود محقق نشده است. بااین‌وجود این تفکر در ایران وجود دارد که باید جبهه مقاومت را نادیده گرفت و همه تخم و مرغ‌ها را در سبد طالبان قرارداد.

◀ **اقبال ایران در مقابل جبهه مقاومت و احمد مسعود ممکن است باعث جابه‌جا شدن رقبای از سوی طالبان شود؟**

هنوز مشخص نیست طالبان در آینده چه رویکردی در پیش خواهد گرفت. نیروهای رادیکال نزدیک به طالبان مانند القاعده و شبکه حقانی تا حدودی ضد شیعه هستند و با تفکرات و رویکردهای ایران همخوانی ندارد. این احتمال وجود دارد که در آینده بین ایران و طالبان مشکلاتی ایجاد شود و به همین دلیل برخی گمان می‌کنند نباید جبهه مقاومت و دیگر گروه‌هایی موجود در افغانستان را نادیده گرفت و بلکه ایران باید تلاش کند چشم‌انداز آینده را به شکلی طراحی کند که منافع ملی ایران تأمین شود.

◀ **آیا شایعه حضور احمد مسعود در ایران صحت دارد؟ هدف از دیدار وزیر خارجه طالبان با وی در ایران چیست؟**

در اینکه وزیر خارجه طالبان با احمد مسعود در ایران دیدار کرده‌اند هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد و این دیدار صورت گرفته است. در گذشته شایعاتی مبنی براینکه احمد مسعود در مشهد حضور دارد منتشرشده است اما ایران هیچ‌گاه این کشور شد. مشخصا امروز نه چین و نه پاکستان و نه ترکیه، هیچ یک نمی‌توانند نفوذ نظامی در افغانستان داشته باشند و عدم امکان چنین مقوله‌ای ریشه در روحیه مردم افغانستان دارد که تمایل به دخالت خارجی ندارند. مردم افغانستان زیر بار زور نخواهند رفت و این یک خصیصه‌ای است که طی سیاسی هستند. در منطقه‌ای که اکثرا ازیک هستند زمانی که مشاهده می‌کنند به آنها اهمیت داده نمی‌شود، اعتراض کرده و بر شهر مسلط شدند. لزوما این به معنای آن نیست که این افراد همگی جزو نیروهای ژنرال دوستم هستند اما این پیام را منتقل می‌کند که نمی‌خواهند زیر بار زور طالبان قرار گیرند و این یک حرف واحد در فاریاب است. امروز قطع پشتون‌ها مناصب سیاسی فاریاب را برعهده داشتند و این عامل سبب شد تا درگیری در فاریاب تشدید شود. اگر طالبان رویه خود را تغییر ندهد این اتفاق می‌تواند در سایر ولایت‌های افغانستان تکرار شود و بار دیگر این کشور شاهد یک درگیری سراسری شود. از سوی دیگر این اتفاق نشان می‌دهد که مسائل قومیتی در افغانستان از اهمیت زیادی برخوردار است به شکلی که بر مسائل سیاسی غلبه کرده و امروز همه ازبک‌ها علیه طالبان در فاریاب قیام کرده‌اند. در واقع تحولات زیر پوستی جامعه افغانستان در سال‌های اخیر همواره جنبه قومیتی داشته و این امر امروز نیز تداوم دارد و گریبان طالبان را خواهد گرفت. وضعیت افغانستان در روزهای آینده تغییر نخواهد کرد. در آینده نزدیک و با توجه به تسلط طالبان بر غالب قسمت‌های افغانستان، این کشور ارتباط بین‌المللی زیادی نخواهد داشت و صرفا شاید با چند کشور در آسیا ارتباط داشته باشد. افغانستان در کوتاه‌مدت به صورت قومی و قبیله‌ای اداره خواهد شد و بعید به نظر می‌رسد که سازمان خاصی بر این کشور حاکم شود و یا امور سامان گیرد. طالبان و کسانی که امروز بر افغانستان مسلط شده‌اند، توان مدیریت کشور را ندارند و عملا نمی‌توانند اقدامی در راستای پیشبرد افغانستان انجام دهند. آنها حتی در عرصه بین‌المللی نیز با ضعف مواجه هستند و بعید به نظر می‌رسد که راهکاری منطقه‌ای و یا جهانی برای برون رفت از وضعیت کنونی پیدا کنند زیرا عملا جهان آنها را به رسمیت نشناخته است. افغانستان وضعیت کنونی را تا چندین سال تجربه می‌کند و نمی‌توان انتظاری غیر از این داشت تا اینکه در اثر مرور زمان، تحولاتی از درون افغانستان آغاز شود. نمی‌توان متصور بود که با اقدامات خارجی، افغانستان دست آورد خاصی داشته باشد. افغانستان همواره یک کشور حائل بوده است.

> **امروز نه چین و نه پاکستان و نه ترکیه، هیچ یک نمی‌توانند نفوذ نظامی در افغانستان داشته باشند و عدم امکان چنین مقوله‌ای ریشه در روحیه مردم افغانستان دارد که تمایل به دخالت خارجی ندارند**

◀ **با توجه به شواهد و قرائن موجود و رویکردهایی که طالبان از زمانی که قدرت را در افغانستان به دست گرفته از خود نشان داده آیا در چشم‌انداز آینده دو کشور ایران و افغانستان می‌توان طالبان را یک خطر بالقوه برای ایران قلمداد کرد؟**

در این زمینه یک واقعیت وجود دارد که زیاد موردتوجه قرار نگرفته است. این واقعیت این است که طالبان یک گروه ایدئولوژیک هستند. منشأ ایدئولوژی طالبان نیز از سه جریان فکری مکتب دیوبندیه شبه‌قاره هند، مکتب سلفیت خاورمیانه‌ای و سنت‌ها و ارزش‌های قومی است که تحت عنوان پشتون‌والی معروف است. این سه جریان فکری مشی فکری طالبان را تشکیل داده است. نکته حائز اهمیت این است که طالبان جنبه‌های سخت‌افزاری این مکاتب را باهم ادغام کرده و نه جنبه‌های نرم‌افزاری. در شرایط کنونی ایران با عربستان، ترکیه و پاکستان در پشت پرده رقابت دارد. به نظر من در راستای این رقابت‌های پشت پرده‌در نهایت طالبان به شکلی رفتار خواهد که به سود رقبای منطقه‌ای ایران تمام خواهد شد و نه ایران. این احتمال نیز وجود دارد که نیروهای رادیکال خلافت گرا مانند القاعده وداعش در کنار بخشی از نیروهای ضد سیستمی ایران برای ایران مشکلات امنیتی به وجود بیاورند. تنها در شرایطی که ایران با عربستان و دیگر کشورهای رقیب مشکلات خود را حل کنند و شرایط عادی شود این احتمال وجود دارد که ایران و طالبان نیز تحت تأثیر این اتفاق مناسبات عادی خود را دنبال کنند. البته این موضوع را تأیید نکرده است. آنچه بیشتر به واقعیت نزدیک است این است که ایران احمد مسعود را از تاجیکستان به تهران آورده تا با وزیر خارجه طالبان دیدار کند و احتمالاً وی پس‌ازاین دیدار دوباره ایران را ترک کرده و به تاجیکستان رفته است. البته که شایعاتی مبنی بر حضور احمد مسعود در مشهد وجود داشته است.

◀ **حضور وزیر خارجه طالبان در ایران و دیدار با وزیر خارجه با واکنش مثبتی در بین افکار عمومی جامعه مواجه نشد و برخی این دیدار را برخلاف خواست عمومی مردم ایران در مقابل جنایت‌های طالبان قلمداد کردند. دولت برای اقناع افکار عمومی در این زمینه چه رویکردی باید در پیش بگیرد؟**

واقعیت این است که در موضوع افغانستان بین افکار عمومی و حاکمیت یک دوگانگی وجود دارد. افکار عمومی در ایران بیشتر تمایلات فرهنگی و ارتباط با گروه‌های غیر پشتون مانند تاجیک‌ها و هزاره‌ها دارد. این گروه‌ها مدعی این هستند که باید در افغانستان توزیع قدرت صورت بگیرد که طالبان تاکنون زیر بار این موضوع نرفته است و دولت فراگیری که موردنظر ایران و دیگر کشورهاست را تشکیل بدهد. در این زمینه دو نوع نگاه وجود دارد. نخست نگاه طالبان است که عنوان می‌کند دولت کنونی فراگیر است و قومیت‌های دیگر نیز در آن نقش دارند و نگاه دیگر است که بقیه گروه‌ها و برخی از کشورها دارند که عنوان می‌کنند این دولت فراگیر نیست و بقیه قومیت‌ها در آن نقش ندارند. این اختلاف در داخل افغانستان وجود دارد و در ایران نیز وجود دارد. در افغانستان طالبان به دنبال تمرکز قدرت هستند اما گروه‌های ضد پشتون به دنبال توزیع قدرت هستند. این گروه‌ها به دنبال این هستند که در قدرت سهم داشته و باشند و انتخابات برگزار شود و چرخه قدرت با یک سازوکار دموکراتیک تغییر کند. این در حالی است که طالبان زیر بار این موضوع نمی‌رود و به دنبال انحصار قدرت هستند. این مسائل به‌نوعی در داخل ایران نیز انعکاس پیدا می‌کند. این در حالی است که اخیراً نیز درگیری مرزی بین ایران و طالبان رخ داد که البته هر دو کشور عنوان کردند که این درگیری به دلیل سو تفاهم بوده است. از سوی دیگر مسأله آب هیرمند هنوز بین دو کشور حل نشده و مشکلات در این زمینه وجود دارد. به همین دلیل در ملاقاتی که بین طرف‌های ایرانی و طالبان صورت گرفت مسأله هیرمند نیز مطرح شد. طالبان در این زمینه وعده‌هایی داده اما اینکه این وعده‌ها در آینده عملی کند جای تردید و بحث وجود دارد.

> **افکار عمومی در ایران بیشتر تمایلات فرهنگی و ارتباط با گروه‌های غیر پشتون مانند تاجیک‌ها و هزاره‌ها دارد. این گروه‌ها مدعی این هستند که باید در افغانستان توزیع قدرت صورت بگیرد که طالبان تاکنون زیر بار این موضوع نرفته است و دولت فراگیری که موردنظر ایران و دیگر کشورهاست را تشکیل بدهد**

◀ **با توجه به شواهد و قرائن موجود و رویکردهایی که طالبان از زمانی که قدرت را در افغانستان به دست گرفته از خود نشان داده آیا در چشم‌انداز آینده دو کشور ایران و افغانستان می‌توان طالبان را یک خطر بالقوه برای ایران قلمداد کرد؟**

در این زمینه یک واقعیت وجود دارد که زیاد موردتوجه قرار نگرفته است. این واقعیت این است که طالبان یک گروه ایدئولوژیک هستند. منشأ ایدئولوژی طالبان نیز از سه جریان فکری مکتب دیوبندیه شبه‌قاره هند، مکتب سلفیت خاورمیانه‌ای و سنت‌ها و ارزش‌های قومی است که تحت عنوان پشتون والی معروف است. این سه جریان فکری مشی فکری طالبان را تشکیل داده است. نکته حائز اهمیت این است که طالبان جنبه‌های سخت‌افزاری این مکاتب را باهم ادغام کرده و نه جنبه‌های نرم‌افزاری. در شرایط کنونی ایران با عربستان، ترکیه و پاکستان در پشت پرده رقابت دارد. به نظر من در راستای این رقابت‌های پشت پرده‌در نهایت طالبان به شکلی رفتار خواهد که به سود رقبای منطقه‌ای ایران تمام خواهد شد و نه ایران. این احتمال نیز وجود دارد که نیروهای رادیکال خلافت گرا مانند القاعده وداعش در کنار بخشی از نیروهای ضد سیستمی ایران برای ایران مشکلات امنیتی به وجود بیاورند. تنها در شرایطی که ایران با عربستان و دیگر کشورهای رقیب مشکلات خود را حل کنند و شرایط عادی شود این احتمال وجود دارد که ایران و طالبان نیز تحت تأثیر این اتفاق مناسبات عادی خود را دنبال کنند.

محسن روحی صفت در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

ایران و چین می‌توانند در افغانستان همکاری کنند

سلطه چین بر افغانستان ممکن نیست | **مساله دیوار امنیتی حل و فصل شده است** | **تسلط ازبک‌ها بر فاریاب هشدار جدی به طالبان است**

آرمان ملی- علیرضا پورحسین: تحولات افغانستان با سفر وزیرخارجه طالبان به ایران و دیدار با احمد مسعود به نظر می‌رسد وارد فاز جدیدی شده است. از یکسو برخی بر این باور هستند که چین به عنوان نیروی برتر در آینده نزدیک نفوذ خود در افغانستان را افزایش می‌دهد و این کشور از سایه چین پیش خواهد رفت و از سوی دیگر ایران تلاش می‌کند تا با یک ابتکار بین الافغانی مشکلات این کشور همسایه خود را حل و فصل کند. هر چه هست، به نظر می‌رسد افغانستان به زودی رنگ آرامش را نمی‌بیند همان گونه که شاهد هستیم همچنان ولایت پنجشیر و فاریاب صحنه درگیری‌های شدیدی هستند و کنترل ولایت فاریاب نیز به دست طرفداران ژنرال دوستم و ازبک‌ها افتاده است. اتفاقی که شاید معادلات را در افغانستان تغییر دهد و حضور سایر کشورهای منطقه را در این کشور بیشتر کند. در راستای بررسی آخرین وضعیت افغانستان و نقش آفرینی ایران در عرصه سیاسی، «آرمان ملی» گفت‌وگویی با محسن روحی صفت، دیپلمات پیشین ایران داشته است که در ادامه می‌خوانید.

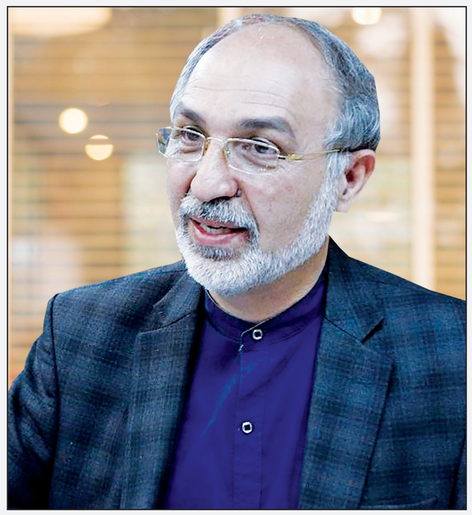

◀ **ایران به تازگی مسیر و روش خاصی را در خصوص تحولات افغانستان در پیش گرفته است؟**

این طبیعی است که هر کشوری نسبت به تحولات در کشورهای همسایه خود نگران باشد و تلاش کند تا صلح و ثبات در آنها برقرار شود. ایران و افغانستان از این مسئله مبرا نیستند و امروز ایران چاره‌ای جز این ندارد که تلاش کند تا در افغانستان صلح برقرار شود. تلاش‌ها برای میانجیگری میان طالبان و جبهه مقاومت نیز در همین راستا انجام شد و چندین جلسه در تهران برگزار شد. امروز ایران نمی‌تواند نسبت به افغانستان بی‌تفاوت باشد زیرا منتخبا هر اتفاقی در این کشور رقم می‌خورد بر ایران تاثیر می‌گذارد. یک جنبه مساله تاریخ و فرهنگ و دین مشترک است اما یک جنبه دیگر تاثیرگذاری متقابل دو کشور بر یکدیگر است. بنابراین آنچه که امروز ایران انجام می‌دهد در راستای ایجاد ثبات در افغانستان است. این کشور وارد دوران سختی شده و زمستان سختی را در حال پشت‌سر گذاشتن است و مسلما ایران با حسن نیت به دنبال این است تا به افغانستان کمک کند. در همین راستا علاوه بر دیدارهای سیاسی که در تهران انجام شد، یک هیات اقتصادی نیز به همراه طالبان وارد ایران شد و گفت‌وگوهای تجاری و اقتصادی بین ایران و هیات طالبان انجام شد. اتاق‌های بازرگانی و مسئولان اقتصادی و صنعتی دیدارهای خوبی داشتند تا راه‌های همکاری شناسایی و تعاملات دو کشور بیشتر شود تا در این میان کمکی نیز به مردم افغانستان شود. در عرصه سیاسی، ایران اعتقاد دارد که افغانستان یک کشور قومیتی و چند فرهنگی است و باید به همین علت در آن کشور حکومتی بر سر کار آید که کلیه قومیت‌ها در آن نقش داشته باشند.

این مسیر مشخصا کمک خواهد کرد تا حکومت در افغانستان ثبات بیشتری داشته باشد. امروز به این علت افغانستان وضعیت آرامی ندارد که صرفا طالبان بر این کشور حاکم است. با این وجود حتی طالبان نماینده تمام پشتون‌ها نیست و صرفا یک گروه خاص هستند که بر افغانستان حاکم شده‌اند. این یک روش اشتباه است و باید اصلاح شود. این امر یک تهدید برای صلح و ثبات افغانستان است و مشخصا اگر این رویه ادامه پیدا کند باز هم مداخله خارجی در افغانستان رقم می‌خورد. قطعا ایران نگران این عرصه است و با هرگونه مداخله خارجی در افغانستان مخالف است و به همین علت تلاش می‌کند تا با گفت‌وگوهای سیاسی این عرصه را مدیریت کند و بوسیله خود افغانستانی‌ها ثبات و صلح را بر این کشور حاکم کند. در این مسیر نیاز است تا دخینت طالبان تغییر کند. طالبان تا به امروز یک گروه مسلح بوده که صرفا تجربه جنگ داخلی را داشته است و از مسائل سیاسی و نحوه کشورداری اطلاعات زیادی ندارند. امروز ایران در تلاش است تا دخینت طالبان را تغییر دهد و برای آنها این مساله را نهادینه کند که اداره کشور افغانستان باید با حضور سایر اقوام باشد. طالبان باید الزامات تشکیل دولت را بفهمد و بداند حتی مسئولیت زندگی مخالفین این گروه در افغانستان نیز برعهده آنهاست. در همین راستا و برای اینکه ذهنیت طالبان تغییر کند است. پس از تشکیل کشور مستقل افغانستان ما شاهد بودیم که بریتانیا در این کشور نتوانست باقی بماند و مجبور شد تا به اشغالگری خود پایان دهد. پس از آن شوروی نیز در افغانستان ناکام بود و مجبور به ترک این کشور شد. امروز نیز آمریکا نتوانست اوضاع را در افغانستان مدیریت کند و مجبور به ترک و سیاست نم‌ترری در پیش گیرد با چهره‌های سیاسی متفاوتی در ایران دیدار و گفت‌وگو کردند. از جمله این چهره‌ها دکتر ولایتی، وزیر کشور و وزیرخارجه ایران بودند. که البته دیدارها دیگری نیز در همین زمینه انجام شد. از سوی دیگر گروه‌های مقاومت و مخالفین طالبان نیز در تهران حاضر شدند و ارزیابی‌ها در تهران در دستور کار قرار گرفت. تاکید ایران بر این بود که فقط باید از مسیر سیاسی مشکلات را حل کرد زیرا تشدید جنگ سبب می‌شود تا مردم، افغانستان و کشورهای منطقه بیشترین ضرر را متحمل شوند. از سوی دیگر شرط ثبات در افغانستان تفاهم است و شاید رسیدن به تفاهم در افغانستان امری زمان بر باشد. یکی از معضلات در این عرصه چندبدستگی در میان طالبان است زیرا از گروه‌های مختلفی تشکیل شده است. ممکن است شخص متقی در تهران قانع شود و با گروه‌های مقاومت به تفاهم برسد اما در میان طالبان نظر متقی به رسمیت شناخته نشود. این نیز یک چالش مهم است و تفاهم در افغانستان را سخت می‌کند. باید بر سر نحوه حکومت‌داری در افغانستان یک مصالحه شکل گیرد. هنوز در خصوص قانون اساسی و حتی پرچم کشور افغانستان تصمیم گیری نشده و ابهامات زیادی در عرصه سیاسی این کشور وجود دارد. به همین علت امروز باید در ابتدا یک تفاهم شکل گیرد و پس از آن در خصوص آینده افغانستان تصمیم گیری شود. زمانی این امر محقق می‌شود که تمامی گروه‌ها بر سر این موضوعات به تفاهم برسند و یا یکدیگر تصمیم گیری کنند.

> **امروز نه چین و نه پاکستان و نه ترکیه، هیچ یک نمی‌توانند نفوذ نظامی در افغانستان داشته باشند و عدم امکان چنین مقوله‌ای ریشه در روحیه مردم افغانستان دارد که تمایل به دخالت خارجی ندارند**

◀ **ایران نگرانی در خصوص دخالت خارجی در افغانستان را صرفا نسبت به غرب دارد؟ اگر چین وارد افغانستان شود باز هم ایران مخالفت خواهد کرد؟**

بیشتر منطقیر از دخالت کشورهای خارجی جنبه نظامی دارد. باید توجه داشت که افغانستان به‌واسطه منابع طبیعی که دارد می‌تواند محل همکاری کشورهای مختلف در حوزه اقتصادی باشد و قطعا هیچ یک از همسایگان در این همواری بی‌نصیب نخواهند ماند. مردم افغانستان قطعا زیر بار فقر بیگانگان نمی‌روند و اجازه نمی‌دهند برای مثال چین در این کشور پایگاه نظامی تاسیس کند. تاریخ این امر را به وضوح نشان داده است. ما سیاست‌های متفاوتی در پیش گیرد و با چهره‌های سیاسی متفاوتی در ایران دیدار و گفت‌وگو کردند. از جمله این چهره‌ها دکتر ولایتی، وزیر کشور و وزیرخارجه ایران بودند. که البته دیدارها دیگری نیز در همین زمینه انجام شد. از سوی دیگر گروه‌های مقاومت و مخالفین طالبان نیز در تهران حاضر شدند و ارزیابی‌ها در تهران در دستور کار قرار گرفت. تاکید ایران بر این بود که فقط باید از مسیر سیاسی مشکلات را حل کرد زیرا تشدید جنگ سبب می‌شود تا مردم، افغانستان و کشورهای منطقه بیشترین ضرر را متحمل شوند. از سوی دیگر شرط ثبات در افغانستان تفاهم است و شاید رسیدن به تفاهم در افغانستان امری زمان بر باشد. یکی از معضلات در این عرصه چندبدستگی در میان طالبان است زیرا از گروه‌های مختلفی تشکیل شده است. ممکن است شخص متقی در تهران قانع شود و با گروه‌های مقاومت به تفاهم برسد اما در میان طالبان نظر متقی به رسمیت شناخته نشود. این نیز یک چالش مهم است و تفاهم در افغانستان را سخت می‌کند. باید بر سر نحوه حکومت‌داری در افغانستان یک مصالحه شکل گیرد. هنوز در خصوص قانون اساسی و حتی پرچم کشور افغانستان تصمیم گیری نشده و ابهامات زیادی در عرصه سیاسی این کشور وجود دارد. به همین علت امروز باید در ابتدا یک تفاهم شکل گیرد و پس از آن در خصوص آینده افغانستان تصمیم گیری شود. زمانی این امر محقق می‌شود که تمامی گروه‌ها بر سر این موضوعات به تفاهم برسند و یا یکدیگر تصمیم گیری کنند.

◀ **ایران نگرانی در خصوص دخالت خارجی در افغانستان را صرفا نسبت به غرب دارد؟ اگر چین وارد افغانستان شود باز هم ایران مخالفت خواهد کرد؟**

بیشتر منطقیر از دخالت کشورهای خارجی جنبه نظامی دارد. باید توجه داشت که افغانستان به‌واسطه منابع طبیعی که دارد می‌تواند محل همکاری کشورهای مختلف در حوزه اقتصادی باشد و قطعا هیچ یک از همسایگان در این همواری بی‌نصیب نخواهند ماند. مردم افغانستان قطع